بسمه‌تعالی

سابقه‌ی مدیریت: 30 سال رشته‌ و مقطع تحصیلی: کارشناسی مدیریت آموزشی

سابقه‌ی حضور در آموزش و پرورش: 36 سال تاریخ مصاحبه: /1401 محل مصاحبه:

پژوهشگر: چطور شد مدیر شدید؟

نمی دونم. تصمیمی بود که مافوق های ما گرفتند، حالا چه شرایطی رو دیدند که فکر کردند از عهده اش برمیام دیگه نمی دونم.

فرآیند یادگیری از نگاه شما چطور هست؟

ببینید برای یادگیری اون شرایط لازم رو احتیاج داریم.اگر راجع به دانش آموزان هست اینکه بچه ها تمرکزش رو داشته باشن. امکانات و تجهیزاتمون فراهم باشه. فضای فیزیکی کلاس مدرسه مناسب باشه. همراهی والدین، سواد والدین، وضعیت اقتصادی، شرایط خانوادگی دانش آموز که بچه، بچه ی طلاق هست یا نیست. پدر و مادر باهم زندگی می کنن یا نمی کنن و آموزگارهای متبحر. اینها همه آیتم هایی هست که بتونه کمک بکنه و بعد کتب درسی، مباحثش، حجم کتابها، همه ی اینها موید و کمک کننده هست در خصوص اینکه میخواد یک یادگیری اتفاق بیفته.

خود فرآیند یادگیری مدنظر هست.چطور میگیم یادگیری اتفاق افتاده؟

ببینید وقتی اینها باشه دانش آموز استعدادش رو هم داره، زمینه ی یادگیری رو هم داره. اون زمینه ی یادگیری کمکش می کنه.

فرآیند یادگیری چیست؟

این چیزی که شما میگید میشه روش تدریس. مثلا اگر معلم فقط متکلم وحده باشه میشه فقط روش سخنرانی. روش تدریس چیزیست که معلم انتخاب می کنه که بتونه مطالبش رو انتقال بده. اما این روش تدریس مناسب هست یا نیست و نتیجه ای که می خواهیم بگیریم چیزیه که اون آگاهی اون فرد می تونه کمک بکنه. بعضی وقتها یه معلم فقط اعتقادش اینه که با روش سخنرانی این کار رو بکنه ولی کلاسهای آموزشی و ضمن خدمتهایی که براشون گذاشته میشه کمک میکنه به اینکه معلم خودش هم به این نتیجه برسه که فقط روش سخنرانی بهش کمک نمیکنه. دانسته های بچه ها میشه در حد دانش براشون. ما می خواهیم بچه ها اون چیزی رو که یاد میگیرن ما در رفتار و زندگی بچه ها ببینیم. حالا هرچی که هست. از اون در بهتر زندگی کردنش استفاده کنه. این میتونه روش های مختلف داشته باشه. میتونه بچه ها درگیر کار باشن. مثلا از روش کار آزمایشگاهی بچه ها ، روش تحقیق و پژوهش استفاده کنیم. درگیر کردن بچه ها با کار تدریس. اینها در فرآیند تدریس اتفاق میفته ولی این باید باور یک معلم باشه که با روشهای مختلف میتونه به تقویت بچه ها و دانش بچه کمک کنه. برای ما این مهمه که بچه بتونه دانشش رو در زندگی استفاده کنه. چون ما اصلا مهارتهای زندگی جزو آیتم های اصلی مدرسه مونه.

اقتضائات محیطی برای اینکه این فرآیند بتونه اتفاق بیفته چیه؟

خیلی مهمه، اصلا حالت بومی که میشه قضیه خیلی فرق میکنه. همراهی والدین خیلی مهمه. موقعیت جغرافیایی مدرسه بسیار مهمه.

اقتضائات فیزیکی مدنظرم هست. فضا چطور باید طراحی بشه؟

وقتی شما کلاست استاندارد باشه، یه کلاس استاندارد کلاسیه که نورش دقیق تنظیم شده باشه. فضا داشته باشه که چیدذمان کلاست رو تغییر بدی.این طوری نباشه که بچه ها به صورت کتابی کنار هم نشسته باشن و ما قدرت مانور این رو نداشته باشیم که، در بعضی از درسها معلم نیاز داره تا سریع کلاسش رو تغییر بده و شکل یو دربیاره و بایسته وسط و تدریسش رو بکنه. یعنی بهترین نوع تدریسش. میتونه نیمکت های بچه ها رو فوری کنار هم بچینه بچه ها کار گروهی بکنن. ببین وقتی کلاس فضا داشته باشه و بتونن این چرخش رو انجام بدن. معلم دستش بازه و میتونه این تغییر رو در فضای کلاس خودش داشته باشه که اصلا اون تغییر خودش برای بچه ها جاذبه ایجاد میکنه. باید جوری باشه کلاس که بتونه این تغییر رو داشته باشه و خدا رو شکر کلاسهای ما این حدود و استاندارد رو داره. نسبت به اینکه ساختمون نوساز هست سعی کردن این موارد رو رعایت کنن توش. صد در صد نیست ولی یه مقدار مطلوبه.

اصلا به نظر شما چنین ساختار و طراحی که وجود داره مناسب شما هست یا نه؟ اگر می خواستید به معمار مشورت بدید چه پیشنهادی به معمار می دادید؟

من دوست داشتم یه حیاط بسیار وسیع مسداشتیم که می تونستیم کارها و فعالیتهای بچه ها رو توی حیاط مدرسه انجام بدیم. بچه ها قدرت مانور این کار رو داشته باشن. دوست داشتم فضایی داشتم که بچه ها بجای اینکه برن باشگاه بیرون و با انواع اخلاقهای متفاوت و آدم های بزرگسال و ... باشن، در محیط مدرسه ی خودم باشه. اینجا از نظر جغرافیایی خانواده ها مرفه هستند و این چیزها خیلی براشون مهمه. اگر این فضا رو خودم در مدرسه داشتم هیچ وقت بچه هام از محیط بیرون استفاده نمی کردند و من قدرت مانور بیشتری روی بچه ها و رفتارشون داشتم. اگر می خواستم طراحی کنم یه همچین مدرسه ای طراحی میکردم. جزو ایده آل هامون میشه.

کلاسها رو هم به همین شکل میگذاشتید؟

کلاسهام رو دوست داشتم که بچه ها خودشون انتخاب کنند. مثلا بچه ها انتخاب کنند درس علوم رو. خودش انتخاب کنه درس ریاضی رو. بره در علوم، بره در ریاضی. زبانش رو انتخاب میکنه. مهارتهای زندگیش رو خودش انتخاب بکنه. اگر فضا داشتیم و اجازه ی این کار رو داشتم میکردیم این کار رو. ببینید ما مدارس دولتی تابع بالادستی های خودمون هستیم.تابع قوانین و مقرراتیم. خیلی نمی تونیم خارج از چهارچوب خودمون کار بکنیم. ولی اگر داشتم میکردم این کار رو که بچه ها خودشون انتخاب می کردن.

آموزش و پرورش ادعا دارد مدیر هرکاری بخواهد می تواند انجام دهد.

نه ما قدرت این کار رو نداریم. مطابق همین چیدمان، مطابق کتب درسی باید پیش ببریم. اینکه بچه ها حق انتخاب داشته باشند را نداریم. ما خودمان هم نداریم. یک برنامه ی هفتگی روتین دارن و طبق اون کار می کنن.

باتوجه به نوساط بودن فضای آزمایشگاه و کتابخانه چطور است.

همه ی اینها رو داریم. نمازخانه داریم. استفاده می کنند همکاران و طبق برنامه.

جایی در مدرسه هست که خودتان طراحی فضایش را کرده باشید؟

ما اصلا اختیار تغییر در ساختمان رو نداریم.تغییر ساختمانی.

خب این یک محدودیت بزرگ است برایتان ولی با وجود این محدودیت چه کردید؟ از جنس تغییرات محیط جایی که خودتان طراحی کرده باشید را دارید؟

بله آزمایشگاه. نمازخانه. اینها رو خودمون کردیم.

بر چه مبنایی طراحی کردید؟

تقریبا بر اساس اولا نیاز بچه ها، اون چیزی که دوست دارند مخصوصا در ابتدایی. بچه ها اون چیزی رو دوست دارند که جلوی چشمشون باشه. فضایی رو دوست دارند که رنگ های شاد توش باشه. اون فضا رو بر اساس نیازسنجی از همکاران کارش رو انجام میدیم.